

بحشی دربارهٔ زبان فارسی

در شماره‌های پیشین یاد آور شدیم که زبان فارسی در طی تاریخ گذشته خود کمابیش در سایر زبانها اثراتی از خود بجا گذاشته اینک میخواهیم از تأثیر سایر زبانها در فارسی سخنی بگوئیم ولی قبل از بیان این مطلب بی‌مورد نیست بعلم و عوامل این تأثیر اجمالاً اشاره‌ای بشود.

میتوان علل و عوامل بسیاری را برشمرد که در نفوذ زبانها در یکدیگر مؤثر بوده‌اند اما عموماً منشأ این عوامل و علل از چند اصل تجاوز نمیکند که اهم آنها عبارتند از:

نفوذ دینی ، نفوذ سیاسی ، نفوذ علمی و هنری ، نفوذ اقتصادی ، نفوذ از راه تفنن و تجمّل. اصول فوق در زبان فارسی نیز مانند همهٔ زبانها اثر گذاشته و ما باجمال از آنها یاد آور میشویم:

الف - نفوذ دینی

نفوذ دینی را میتوان مؤثرترین عامل شناخت چه عقائد مذهبی در میان هر قوم و ملتی غالباً با اصطلاحات خاص خود رخنه میکند و این اصطلاحات در طی زمان بهمان صورت اصلی خود باقی میماند چنانکه ما میبینیم در زبان فارسی اصطلاحات مذهبی اسلام بیش از هزار سال است با همان صورت عربی خود بکار میروند و عقیده دینی موجب شده است که کسی در صدد تغییر آنها

بر نیاید مانند کلمات: حج، زکات، اذان، سعیر، حور، غلمان، کوثر، ورد، ذکر، دعا، مناجات، لوح، قلم، فدیة، کفاره، قربانی و صدها کلمه دیگر از این قبیل که امروزه در زبان ما دیده میشود و بحث در لزوم حفظ یا تغییر آنها از عهده این مقاله خارج است، در هر حال آنچه مسلم است اینکه نفوذ اصطلاحات مذهبی در زبانها چون از راه ایمان و عقیده صورت گرفته تا ایمان و عقیده باقی است آن اصطلاحات نیز بحیات خود ادامه خواهند داد و هیچ عاملی قادر نیست بحدود آنها تجاوز کند.

ب - نفوذ سیاسی

منظور از نفوذ سیاسی در اینجا سلطه و اقتدار است که در نتیجه غلبه قوم یا حکومتی بر قوم یا حکومت دیگر پیدا میکند و چون مدتی این استیلا و قدرت ادامه یابد اگر زبان قوم غالب رسا باشد اصطلاحات اداری و یا کلمات غیر اداری لازم را بر زبان قوم مغلوب تحمیل خواهد و پس از زوال حکومت آنان غالباً این لغات و اصطلاحات اداری تا دیر زمانی در زبان قوم مغلوب باقی میماند و همین حال را دارد لغاتی که از حکومت مقتدری در نتیجه قدرت یا ضرورت بزبان حکومتهای ضعیف و تحت نفوذ وارد میشود.

برای نفوذ نوع اول میتوان حکومت اسلام را در ایران مثال آورد که چون پس از مسلمان شدن ایرانیان حکومت آنها بدست اعراب افتاد کلماتی مربوط بسیاست یا حدود از زبان عربی بفارسی وارد شد که با از میان رفتن حکومتهای عربی از میان نرفت و تا امروز باقی مانده همچون کلمات: بیعت، خطبه، خطابه، حصار، سلاح، مجازات، سلطنت، حمله، هجوم، جنجه، جنایت، حضرت، جناب، قدرت، معذرت، مقابله، عقد، انعقاد، احترام، ضبط، ثبت، غنیمت، هدیه، تحفه و امثال اینها.

همچنین در غلبه مغولان و ترکان نیز با اینکه زبان رسائی نداشتند معدودی از لغات آنها در زبان فارسی برای خود جا باز کرد و با رفتن ترك و مغول از میان نرفت مانند کلمات:

قرق، قرقی، کتل، یدک، جوقة، یونجه، چارق، چکمه، قاشق، قلچماق
 قلدر، اجاق، اطاق و امثال اینها از ترکی و کلمات:
 اردو، الاغ، چاپار، ایل، بهادر، مورسات، قورچی، نوکر، بیلاق،
 قشلاق، قنداقه و غیره از مغولی.

و اما درباره نفوذ سیاسی نوع دوم میتوان حکومت روس و انگلیس و غیره را در اواخر قرن نوزدهم مثال آورد که بعلت اقتدار و نفوذ سیاسی که در ایران داشتند کلماتی از زبان آنها در فارسی رخنه کرد مانند: قزاق، استکان، لامپا، بطری، چتور، سرویس، ترانسپورت، پست، آپارتمان، فوتبال، بك، پاروان، آپارات، بودجه، آجودان، جنرال، مازور، اتاشه، آنتریك، پلتیک تلفون، تلگراف، تایپ، تکنیک، رومان و غیره.

ج - نفوذ علمی و هنری

مقصود از نفوذ علمی و هنری نفوذ کلمات و اصطلاحات علمی و هنری است که از زبانی بوسیله علم و هنر بزبان قومی دیگر وارد میشود و بدیهیست که این لغات مربوط بزبان قومی است که علم یا هنر را وضع کرده یا انتشار داده‌اند مثلا اصطلاحات مربوط بفرسفه و منطق یا فنون ادبی در زبان فارسی همان اصطلاحاتی است که عربی زبانان بعد از اسلام برای این علوم و فنون وضع کرده‌اند و با اینکه خود آنها واضعین اصلی نیستند چون وسیله انتشار فلسفه و منطق و فنون ادبی بوده‌اند زبانشان از راه نفوذ علم و هنر بزبان فارسی رخنه کرده و لغاتی از قبیل: وحدت، کثرت، دور، تسلسل، قیاس، کبری، صغری،

قضیه، شکل، عکس، طرد، سور، معادله، سالیه، ایجاب، موجه، سلب، هیولی، صورت، ماهیت، شعر، بیت، وزن، نقد، تمثیل، تخیل، دقت، رقت، زحاف، مناظره، رجز، رمل، متقارب، هزج، صوت، انعکاس، موج، اوج، منظره و صدها لغت از این گونه که مربوط به علوم و هنرهای مختلف است با اینکه ناشرین آنها غالباً غیر عرب بوده اند چون علوم را بزبان عربی نوشته اند اصطلاحات علوم نیز عربی شده تا امروز باقی مانده.

در عصر حاضر نیز بسیاری از علوم و صنایع که بوسیله ملل مغرب تکامل یافته و منتشر شده دارای اصطلاحاتی مخصوص بزبانهای غربی است که همچون سیل بزبان فارسی رو آورده و موجب نابسامانی های بسیار گشته و اگر فرهنگستان زبان ایران ب فکر چاره نیفتد دیری نخواهد گذشت که از زبان شیرین فارسی جز کالبدی بیروح چیزی باقی نخواهد ماند زیرا امروزه در هیچ دانشکده یا کارخانه یا مؤسسه ای نیست که هزاران لغت و اصطلاح علمی یا صنعتی و هنری بزبان اروپائی متداول نباشد. و اگر این وضع ادامه یابد و روز بروز بر تعداد این لغات بیگانه افزوده شود و برای جلوگیری و رفع آن اقدامی اساسی بعمل نیاید پس از چند سال کثرت کلمات خارجی بجائی خواهد رسید که از هر ده کلمه در فارسی نه تائی آن خارجی باشد و در نتیجه زبان فارسی صورتی پیدا خواهد کرد که باید گفت «عدمش به وجود» زیرا در آن صورت نه تنها لغت فارسی نخواهیم داشت بلکه ضوابط و قواعد دستوری نیز که تنها مشخص و نشان دهنده هویت زبان فارسی است دستخوش تحول و انقلاب خواهد شد و هم اکنون آثار این خرابی و نابسامانی در نوشته های فارسی بچشم میخورد اما نباید مأیوس بود زیرا با اطلاعی که نویسنده دارد از چندی قبل فرهنگستان زبان گروهی از استادان

با صلاحیت را بهمکاری دعوت کرده است و آنان نیز در دسته های مختلف اصطلاحات علوم و فنون مختلف را تحت بررسی قرار داده اند تا با وضع معادلهای فارسی زبان را از هجوم بیرویه لغات بیگانه نجات دهند و امید است که در اینکار توفیق حاصل کنند.

د - نفوذ اقتصادی

ورود لغات از راه نفوذ اقتصادی در همه کشورها امریست عادی چه وقتی تاجری کالائی را که محصول مخصوص کشوری است بکشور دیگری صادر میکند ناچار نام آن کالا هم با خود کالا همراه است و در نتیجه لغت تازه ای از خارج وارد زبان کشور دومی می شود برای مثال «موز» را در نظر بگیریم که یک محصول افریقائی است و چون بکشور ما وارد شده لغت آن نیز بزبان فارسی افزوده شده همچنین مشروبات الکلی و دکا، کنیاک، زبرتکاه و غیره. ویشنونکا، رم، ویسکی یا نوشابه های: سون آپ، کوکا کلا، پپسی کلا، کانادا درای لغات: چای، فلفل، هل، انبه، کافور، چاپ، نیلوفر: ارکیده، نارگیل، پرتغال و امثال اینها نیز کلماتی هستند که از راه نفوذ اقتصادی و بوسیله تجارت در گذشته بزبان ما راه یافته اند با اینحال در گذشته هر جا توانسته اند برای بیرون انداختن این قبیل کلمات هم کوشش کرده اند چنانکه میبینم مثلاً عوض تمانه گوجه فرنگی و بجای پتانه سیب زمینی گفته اند یا تلسکوپ را «دوربین» و میکروسکوپ را «ذره بین» نامیده اند

ه - نفوذ از راه تفنن و تجمل

عنوان فوق موضوعیست که سابقه اصطلاحی ندارد و تنها در اثنای نوشتن این مقاله بذهن من خطور کرد زیرا ب فکر گذشت که بعض اشخاص صرفاً برای

تفنن و خودنمائی و بدون هیچگونه لزوم منطقی کلماتی را از زبانهای بیگانه در زبان فارسی آورده و رواج داده‌اند و مثلاً بجای اینکه بگویند «به بخشید» یا «متشکرم میگویند» یا «پاردن» یا «مرسی» یا فرضاً کلمات: فرم، استرایک، رپرتاژ، سوزه، رپرتز، تیراژ، تایپیست، سکرتر، نرون، بوتیک، سوپرمارکت، شو، واریته، تیم فوتبال، فینال، روناوول بوکس، ست دوم تنیس، پیست اسکی، گیم والیبال و امثال اینها را بجای لغات: چهارچوب، ضربه، خیر، موضوع، مخبر، شماره چاپ شده، ماشین نویس، مغازه، دکه، دوره اول بوکس، دسته دوم بازی تنیس، میدان اسکی، بازی والیبال بکاره می‌برند.

کار این تفنن و فرنگی مآبی بجائی کشیده که گاهی کلمات خسار جی معنی و صورت اصلی خود را هم در فارسی از دست می‌دهند مثلاً کلمه «کافتریا» اسپانیولی که مشابه کلمه cafetiere فرانسوی و بمعنی قهوه جوش است و در امریکا به رستورانهای بدون پیشخدمت اطلاق میشود و یک نوع «سلف سرویس» است، در فارسی بصورت «کافه تریا» در آمده و دو کلمه فرض شده و بعداً جزء دوم آن «تریا» را جداگانه یا در جزء دوم کلمات دیگر بکار برده «هتل تریا» درست کرده‌اند در حالیکه کلمه تریا هیچ معنی ندارد. دانشمند معاصر حبیب‌اله نوبخت در یکی از شماره‌های وحید دوسه سال قبل مقاله‌ای تحت عنوان «استعمال غلط واژه‌های خارجی در زبان فارسی» نوشته و موارد بسیاری از این قبیل استعمالهای غلط را ذکر کرده است در هر حال با وجود این لغات همه بیگانه که بحکم لزوم و اضطرار وارد زبان فارسی شده شایسته نیست که ما هم از راه خودنمائی و تفنن بر تعداد این لغات مهاجم بیفزائیم و روز بروز مبانئی زبان خود را سست تر کنیم بلکه برعکس موظفیم اکنون که «فرهنگستان زبان» میکوشد برای لغات بیگانه معادل فارسی پیدا کند مانیز از افزودن لغات بیگانه تفننی باین زبان خودداری کنیم.

در پایان این مقال بدنیت یادآور شویم تنها این فرنگی ما بهای امروزی نیستند که میکوشند لغات بیگانه غیر لازم را بزبان فارسی عرضه کنند بلکه از این نوع آدمها در سابق نیز کم نبوده‌اند چنانکه بعضی نویسندگان بعد از مغول و تیمور رومی بینیم که کتابهای چند صد صفحه‌ای نوشته‌اند تا قدرت خود را در آوردن کلمات غیر لازم و حشو عربی، ترکی و مغولی بر رخ مردم بکشند و از این راه خودی نشان دهند اما نه تنها از این کار نتیجه‌ای نبرده‌اند بلکه مورد طعن و نکوهش آیندگان بعد از خود نیز قرار گرفته‌اند چنانکه ما امروزه برای نوشته‌هایشان ارزشی قائل نیستیم و حتی از مطالعه آن نوشته‌ها احساس انزجار و نفرت میکنیم.

در ادبیات جهان يك سلسه حكاييات و امثال و روايات وجود دارد كه منشأ آن (توتمیزم) نیاکان ملل قدیمه است، داستان اساطیری رومیان و حکایت (ژوپیتز) که خود را بصورت مرغ (قو) در آورد تا نزد محبوبه خود مورد توجه قرار گیرد گویاناشی از آن است که یکی از قبایل قدیمه آریائی که اجداد باستانی لاتین‌ها بوده‌اند مرغ قو را (توتم) خود قرار داده بوده‌اند. بعدها آن مرغ رفته رفته صورت الوهیت یافته است و سرانجام بشکل (ژوپیتز) در آمده است.

از کتاب (تاریخ ادیان)